

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۲۶۸-۳۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.690633](https://doi.org/10.30495/dk.2022.690633)

بررسی ویژگی سبکی «تأکید» در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه قاجار و شناخت گوشه‌ای از شخصیت او بر این اساس همراه با نقدی بر تصحیحات غیر تخصصی از آثار وی
نسیم محمدی^۱، دکتر علیمحمد مؤذنی^۲

چکیده

در این مقاله برای نخستین بار با رویکرد زبانی، ادبی و سبکی و با روش (توصیفی-تحلیلی - آماری) مسأله «تأکید» و انواع آن را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های سبکی مهم و پربسامد در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه قاجار بررسی کرده‌ایم؛ به این منظور ابتدا در قالب نموداری مهم‌ترین روش‌های تأکید در کلام را در دو بخش صرف و نحو با استفاده از مهم‌ترین آرای محققان و نیز اجتهاد شخصی، نشان داده‌ایم و بعد مهم‌ترین شیوه‌های تأکید را در این یادداشت‌ها بررسی کرده‌ایم. با تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده وجه تازه‌ای را از شخصیت ناصرالدین شاه نشان داده‌ایم و درنهایت با انتخاب مثال‌های تصادفی از اصل نسخ و مقابله با تصحیحات انجام‌شده از این آثار نشان داده‌ایم بدخوانی‌ها، بدفهمی‌ها و حذف‌های بی‌توضیحی که مصححان در این تصحیحات انجام داده‌اند سبب شده است که نتوان برای تحقیقات ادبی و زبانی به این تصحیحات اعتماد و استناد کرد.
کلیدواژه‌ها: ناصرالدین شاه قاجار، روزنامه خاطرات، سبک‌شناسی، تأکید، تکرار، دستور زبان، آلبوم بیوتات سلطنتی.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)



مقدمه

از ناصرالدین شاه قاجار چند هزار صفحه روزنامه خاطرات باقی مانده است که به احتمال زیاد از دوران نوجوانی به نوشتن آنها اقدام کرده و تا چهل و هشت ساعت پیش از ترور و مرگ ادامه داده است. از آنجاکه وی همواره در بستر تاریخ و سیاست مورد توجه بوده و بررسی جنبه ادب دوست شخصیت او در طول سال‌ها تقریباً مغفول مانده است نگارنده ضروری دانست که برای نخستین بار با رویکرد زبانی، ادبی و سبکی به سراغ روزنامه‌های خاطرات او برود و موضوع پایان‌نامه خود را برای دریافت درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران «تحلیل سبک‌شناختی آثار خودنوشت ناصرالدین شاه قاجار» قرار دهد. سعی نگارنده بر آن است تا با نشان دادن ویژگی‌های سبکی وی در آثارش، بتواند این شخصیت را از زاویه‌ای تازه و بر اساس یادداشت‌های شخصی خود او، بشناسد و بشناساند. تحلیل ویژگی‌های زبانی و ادبی این یادداشت‌ها اطلاعات قابل توجهی را درباره سبک نگارش او در اختیار ما قرار می‌دهد که در مرحله بعد می‌توانیم از آنها در نقد روانکاوانه و تحلیل شخصیت وی استفاده کنیم؛ یکی از این اطلاعات، کاربرد فراوان کلمات، عبارات و جملات تأکیدی در نوشته‌های اوست. بدین منظور در این مقاله می‌کوشیم به این سه سؤال پاسخ دهیم:

۱. مهم‌ترین نمودهای «تأکید» در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه کدام است؟
۲. تحلیل تأکیدات به‌کاررفته در این آثار درباره شخصیت او چه اطلاعاتی را در اختیار ما قرار می‌دهد؟

۳. بی‌دقتی‌ها و روش‌های غیرتخصصی مصححان آثار او بر این ویژگی سبکی وی چه تأثیری گذاشته است؟

پیشینه تحقیق

پس از مطالعه حدود ۱۵۰ مقاله با موضوع تأکید و تکرار در کلام باید گفت اغلب این مقالات (حدود ۱۲۰ مقاله) به انواع شیوه‌های تأکید - و نه خود مسأله تأکید- مانند تکرار و تصدیق و... در دانش بدیع و آن‌هم اغلب در متون منظوم پرداخته‌اند و تعدادی هم به تأکید در دانش معانی. کتاب‌های بلاغت نیز انواع شیوه‌های تأکید را در دانش‌های بدیع و معانی بررسی کرده‌اند و عموماً تنها به اثر روانی مسأله «تأکید» به‌عنوان یکی از شیوه‌های اقناع خواننده، آن‌هم فقط در چند خط اشاره کرده‌اند.

برای انواع روش‌های تأکید در کلام و به‌خصوص در تهیه نمودار از این مقالات بیشترین استفاده را کردیم:

فرشید ورد، خسرو (۱۳۵۴)، **تأکید و قصر در زبان فارسی**، گوهر، مرداد، شهریور، مهر، آذر، شماره ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، (صص ۳۸۵-۳۸۹)، (صص ۴۸۸-۴۹۲)، (صص ۵۷۹-۵۸۴)، (صص ۷۷۲-۷۷۷).

رفیعی، داود (۱۳۹۶)، **روش‌های تأکید کلمه در زبان فارسی**، علوم ادبی، پاییز و زمستان، شماره ۱۲ (صص ۱۴۷-۱۶۴). وی می‌نویسد: «این تحقیق ... به عبارت بهتر جمع‌بندی مختصری است از نتایج تحقیقات پیشین و افزودن مطالبی جدید» (رفیعی، ۱۳۹۶: ۱۴۹). در مورد تأکید و انواع شیوه‌های آن به‌عنوان ویژگی سبکی ناصرالدین شاه نیز تاکنون هیچ مقاله یا کتابی نوشته نشده است و این مقاله نخستین تحقیق در این زمینه است.

روش تحقیق

روش ما در این پژوهش توصیفی - تحلیلی - آماری (کتابخانه‌ای) خواهد بود که پس از خوانش نسخ و مشخص کردن ویژگی‌های سبکی پربسامد (در این مقاله ویژگی سبکی تأکید) به تحلیل داده‌ها پرداخته‌ایم.

مبانی تحقیق

ناصرالدین شاه قاجار و آثار او

ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۴۷-۱۳۱۳ ق) از کودکی و نوجوانی در انواع شاخه‌های هنر، مانند خطاطی، طراحی، نقاشی هنرتمایی می‌کرد و بعدها نیز با اطلاع از هنر عکاسی به آن روی آورد و به یکی از معروف‌ترین عکاسان تاریخ ایران تبدیل شد. این شاه هنرمند هنردوست در حوزه ادبیات نیز فعالیت‌هایی داشت؛ داستان کوتاهی معروف به «حکایت پیر و جوان» نوشته، دیوان اشعاری دارد و ابیات منتخب دیوان حافظ و غزلیات سعدی و اشعاری دیگر را جمع‌آوری و منتشر کرده است؛ اما شاید بتوان گفت در کنار همه این فعالیت‌ها که امروز گوشه‌هایی از شخصیت و احوال او را به ما نشان می‌دهند، مهم‌ترین منبع کسب اطلاع از شخصیت و روحیات و طرز زندگی و حتی نحوه صحبت کردن او، روزنامه‌های خاطراتی است که به‌احتمال زیاد از دوران نوجوانی به نوشتن آنها اقدام کرده و تا چهل‌وهشت ساعت پیش از ترور و مرگ ادامه داده است.

او وقایع روزانه، سفرنامه‌ها و اتفاقات جالبی را که به نحوی نظرش را جلب می‌کرد در دفترچه یادداشت‌هایی ثبت می‌کرد که در همان زمان عنوان «آلبوم» را به خود گرفتند. بنا به اشاراتی که خود در این یادداشت‌ها داشته، در زمان صدارت امیرکبیر و در سال‌های ۱۲۶۶-۱۲۶۷ ق هم روزنامه‌های خاطراتی داشته است که بعداً آنها را از بین می‌برد (ر.ک: قاضیها، ۱۳۸۱: ۹۲ و ناصرالدین شاه، ۱۳۹۷: ۱۷۸). اما آنچه امروز از آلبوم‌های روزنامه‌های خاطرات او -که تعدادی از آنها در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نگهداری می‌شود و تعدادی در کاخ گلستان- برای ما شناسایی شده و به آنها دسترسی داریم، مجموعه‌ای منظم و مسلسل است از وقایع حدود سی و پنج سال از زندگی او یعنی از سال ۱۲۷۹ ق تا سال ۱۳۱۳ ق که به معرفی آنها می‌پردازیم:

الف) آلبوم‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران:

۱. آلبوم شماره ۹۷: وقایع سال ۱۲۷۹ ق تا سال ۱۲۸۵ ق شامل وقایع روزانه و سفر به مازندران، خراسان، قم و اطراف تهران.
۲. آلبوم شماره ۹۵: وقایع سال ۱۲۸۵ ق تا سال ۱۲۸۸ ق شامل وقایع روزانه و سفر به مناطق مختلف تهران، مازندران، گیلان و عتبات.
۳. آلبوم شماره ۹۴: وقایع سال ۱۲۸۸ ق تا سال ۱۲۹۳ ق شامل وقایع روزانه و سفر نخست به فرنگ.
۴. آلبوم شماره ۸۱: وقایع سال ۱۲۹۳ ق تا سال ۱۲۹۹ ق شامل وقایع روزانه و سفر دوم به فرنگ.
۵. آلبوم شماره ۹۲: وقایع سال ۱۲۹۹ ق تا سال ۱۳۰۱ ق شامل وقایع روزانه و سفر به خراسان.
۶. آلبوم شماره ۹۳: وقایع سال ۱۳۰۱ ق تا سال ۱۳۰۴ ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران.
۷. آلبوم شماره ۹۶: وقایع سال ۱۳۰۶ ق تا سال ۱۳۰۸ ق شامل وقایع روزانه و سفر سوم به فرنگ.

ب) آلبوم‌های موجود در مرکز اسناد تاریخی کاخ گلستان:

۱. آلبوم دربرگیرنده وقایع محرم سال ۱۳۰۶ ق تا شعبان سال ۱۳۰۶ ق.

۲. آلبومی که دربرگیرنده پنج آلبوم است:

۱-۲ آلبوم اول: وقایع سال ۱۳۰۸ ق تا سال ۱۳۰۹ ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران و مازندران.

۲-۲ آلبوم دوم: وقایع سال ۱۳۰۹ ق تا سال ۱۳۱۰ ق شامل وقایع روزانه و سفر به عراق عجم.

۳-۲ آلبوم سوم: وقایع سال ۱۳۱۰ ق تا سال ۱۳۱۲ ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران.

۴-۲ آلبوم چهارم: وقایع سال ۱۳۱۲ ق تا سال ۱۳۱۳ ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران.

۵-۲ آلبوم پنجم: وقایع سال ۱۳۱۳ ق شامل وقایع روزانه و سفر به اطراف تهران تا ۴۸ ساعت پیش از ترور و مرگ.

ما در این مقاله قصد داریم بر اساس این نسخ، نمودهای انواع تأکید را در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه نشان دهیم اما پیش از آن ذکر سه نکته ضروری است:

۱. نگارنده با هدف تحلیل سبکی، خوانش آثار ناصرالدین شاه را از تصحیحاتی که تا به امروز از آثار او منتشر شده است آغاز کرد اما کمی بعد متوجه شد متأسفانه این تصحیحات از معیارهای دقیق تصحیح تخصصی، علمی و روشمند متون خطی به دور است؛ موارد بدخوانی، حذف و اضافه کردن‌های غیرعلمی کلمات و جملات و اغلاط فراوان در به کار بردن علائم سجاوندی از سوی مصححان در متن کتاب که بارها به تغییر معنا و سبک جملات انجامیده بود نگارنده را مطمئن ساخت که این تصحیحات به هیچ وجه برای مقاصد ادبی، زبانی، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی قابل‌اعتماد و استناد نیستند؛ بنابراین به تطبیق آثار چاپی با اصل نسخ خطی پرداخت و پس از اطمینان از این تفاوت‌ها، نسخ خطی را منبع اصلی تحقیقات خود قرار داد و ویژگی‌های صرفی و نحوی پربسامد آثار ناصرالدین شاه را شناسایی کرد که در این مقاله به ذکر شاهد مثال‌های مقوله تأکید در این دست‌نوشته‌ها خواهیم پرداخت. گفتنی است شاهد مثال‌های هر مورد به صورت کاملاً تصادفی از میان مثال‌های متعدد آن مورد در نسخ، انتخاب شده است و بعد با تصحیح صورت‌گرفته از آن مقایسه شده است که در همین انتخاب‌های تصادفی هم نمونه‌هایی از بدخوانی‌ها و حذف‌های مصححان که به تغییر سبک نویسنده انجامیده است

آشکار شده است. ما در هر مورد با قرار دادن تصویر اصل نسخه و متن چاپی خوانش مصحح از آن مورد به تعدادی از آنها اشاره کرده‌ایم.

۲. تا حدود سال ۱۳۰۰ ق متن تمام روزنامه‌های خاطرات به دستخط خود ناصرالدین شاه است اما تقریباً از این سال به بعد بسیاری از یادداشت‌ها تقریر اوست و املائی افراد دیگر چون میرزا احمدخان مشیر حضور، محمدباقر خان ادیب‌الملک و حتی دخترش فخرالدوله. لازم به ذکر است که هدف ما تحلیل سبک‌شناختی آثار خودنوشت ناصرالدین شاه است یعنی هر آنچه خود اندیشیده، قلم به دست گرفته و مکتوب کرده است؛ به این ترتیب حتی اگر کاتبان در هنگام شنیدن سخنان او کلمه به کلمه را مکتوب کرده باشند و هیچ‌گاه در شنیدن کلمه‌ای دچار اشتباه نشده باشند و یا هنگام نوشتن، کلمه‌ای را جا نینداخته باشند بازهم نمی‌توانیم از این موارد اطمینان داشته باشیم و برای تحلیل سبکی آثار ناصرالدین شاه نمی‌توانیم بر پایه فرضیات عمل کنیم؛ خوشبختانه به حد کافی به یادداشت‌هایی که به خط خود اوست دسترسی داریم و این امر ما را از مراجعه به بخش‌هایی که یاد کردیم و اعتمادپذیری آنها جای تأمل دارد بی‌نیاز می‌کند؛ از طرفی دیگر ما با خوانش مکرر یادداشت‌های او متوجه شده‌ایم که وی تقریباً در تمام طول عمر ویژگی‌های سبکی مشابهی دارد و مثلاً سبک نگارش او در سال ۱۲۷۹ ق با سبک او در سال ۱۳۱۳ ق تفاوت چندانی ندارد، به این ترتیب بیشتر شاهد مثال‌های خود را از یادداشت‌های سال‌های ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۰ ق برگزیدیم.

۳. متأسفانه با وجود تلاش‌های بسیاری که نگارنده برای دستیابی به نسخه خطی یادداشت‌های سال ۱۳۰۵ ق^۱ و نیز آلبوم شماره ۹۳^۲ واقع در سازمان اسناد ملی متحمل شد، اعضای محترم سازمان اعلام کردند آلبوم‌ها قابل دسترسی نیستند. همین مسأله درباره آلبوم‌های کاخ گلستان^۳ نیز -که خوشبختانه بیشتر تقریرات ناصرالدین شاه است که ذکر آن رفت- صادق است؛ بنابراین با توجه به آنچه پیش‌ازاین درباره غیرقابل اعتماد و ارجاع بودن تصحیحات آثار ناصرالدین شاه برای تحقیقات ادبی و زبانی گفتیم از یک طرف و از طرف دیگر دسترسی نداشتن به نسخ خطی این چند آلبوم برای مقابله با تصحیحات صورت‌گرفته از آنها، از ارجاع به متن چاپی تصحیحات این آلبوم‌ها اجتناب کردیم.

تأکید در کلام

همه انسان‌ها در مواقعی از زندگی این احساس را تجربه کرده‌اند که در ادای کلمه، عبارت یا

جمله‌ای خاص به «چیزی» بیش از بیان ساده کلمه یا چینش ساده کلمات کنار هم و ادای مقصود نیاز دارند؛ به چیز بیشتری که بتواند همراه با گزاره‌ای که ادا می‌کنند و موضوعی که درباره آن سخن می‌گویند، حس درونی قوی و خاص آنها را نیز درباره آن موضوع بازتاب دهد و به شنونده یا خواننده نشان دهد که آن کلمه یا آن جمله برای گوینده یا نویسنده «اهمیت» دارد. نشان دادن اهمیت کلمه، عبارت یا جمله یعنی داشتن «تأکید» بر آن.

تأکید در اصطلاح یعنی: «سخنی را اعم از کلمه یا جمله یا گروه با وسایل دستوری یا معنایی به منظوره‌ای بلاغی مورد توجه قرار دهیم و به آن شدت یا کمال یا روشنی بخشیم» (فرشید ورد، ۱۳۵۴: ۳۸۶).

اهداف تأکید

تأکید در کلام با اهداف خاصی صورت می‌گیرد که از جمله مهم‌ترین این اهداف می‌توان به این موارد اشاره کرد:

اهمیت موضوع، اغراء، تحذیر، تأثیرگذاری، جلب توجه، برجسته‌سازی هیجان، اوج احساسات، اوج ناراحتی، اوج نارضایتی، مفاخره و نیز: رفع تردید و انکار مخاطب، برای التماس و ابتهاج، کمال عنایت، اظهار ترس، ابراز خلوص، اظهار دل‌تنگی و گاهی چون کلام مسلم است (ر.ک: همان، ۱۳۷۵: ۱۸۷).

تأکید در دستور زبان و بلاغت فارسی

در شاخه‌های مختلف ادبیات فارسی مانند دستور زبان و فنون بلاغت و زیرمجموعه‌های آن یعنی دانش بیان، بدیع و معانی درباره راه‌های مؤکد ساختن کلام صحبت شده است اما باید گفت متأسفانه آنچه مرحوم فرشید ورد در سال ۱۳۵۴ ش درباره مسأله تأکید گفته همچنان و بعد از پنجاه و پنج سال به همان صورت باقی است:

«یکی از مباحث تاریک و ناشناخته دستور و بلاغت فارسی و عربی و بعضی دیگر از زبانها (مانند فرانسه و انگلیسی) مبحث تأکید است. این مبحث یکی از مهمترین مباحث زبانست زیرا هم در نحو مورد نیاز است و هم در بلاغت و نقد شعر ولی در فارسی و در زبان‌های یادشده نارسا و بریده‌بریده مطرح گردیده است. اولاً از طرفی تعریف درست و دقیقی برای آن بعمل نیامده است ثانیاً از طرف دیگر در کتاب‌های دستور و بلاغت و نقد شعر فصل مشخص و مناسبی برای آن نمی‌بینیم. ولی در مقابل در بیشتر مباحث نحو و بلاغت از آن سخن به میان

آمده است» (همان، ۱۳۵۴: ۳۸۵).

یکی از مهم‌ترین علل این مسأله آن است که از ابتدا دستور زبان و بلاغت فارسی تحت تأثیر و چه بسا بر اساس مباحث صرف و نحو و بلاغت عربی نوشته شد و در آثار اولیه‌ای که درباره این مباحث تدوین شد، آشفتگی‌های فراوانی راه یافت: نام‌گذاری یک مبحث به چند نام مختلف در یک دانش، نام‌گذاری‌های مختلف برای یک مبحث واحد در دانش‌های مختلف بلاغی، نبود تعاریف جامع و مانع برای مباحث مختلف بلاغی و عموماً تعاریف نارسا و مبهم و متداخل با تعاریف دیگر و نبود دسته‌بندی‌های مشخص و منظم از مباحث و صنایع ادبی.

در این مقاله قصد نداریم به بررسی کم و کیف این تقسیم‌بندی‌ها و نشان دادن ایرادهای هر یک پردازیم که خود بحثی است مفصل اما سعی می‌کنیم تقسیم‌بندی‌هایی را که تاکنون محققان درباره راه‌های مؤکد ساختن کلام در دستور زبان فارسی ارائه کرده‌اند در کنار هم قرار دهیم و پس از جرح و تعدیل داده‌ها مهم‌ترین روش‌ها را برای نخستین بار در دو بخش صرف و نحو و زیرمجموعه‌های آنها در قالب نموداری نشان دهیم. پس از آن نیز با توجه به این روش‌ها مهم‌ترین و پربسامدترین نمودهای تأکید را در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه در حوزه‌های صرف و نحو، با ذکر مثال نشان می‌دهیم.

در نمودار ۱ که خواهیم دید توجه به این نکات ضروری است:

۱. بعضی از روش‌های تأکید را ذکر نکردیم زیرا حداقل امروزه به نظر نمی‌رسد بار تأکیدی داشته باشند؛ مانند افزودن ی به مصادر عربی (سلامت + ی: سلامتی)؛
۲. بیشتر روش‌های تأکید حروف مانند اجتماع «مر» و «را» و یا اجتماع «می» و «ی» استمراری را که در متون کهن استفاده می‌شدند و در دوره قاجار و به تبع در آثار ناصرالدین شاه تقریباً هیچ نمودی ندارند، ذکر نکردیم؛
۳. تا حد امکان از ذکر شیوه‌های تأکیدی که مخصوص زبان عربی است، اجتناب کردیم؛
۴. بعضی از روش‌های تأکید متداخل‌اند؛ مثلاً ترکیبی مانند «بزرگ و کوچک» در جمله: «بزرگ و کوچک آمده بودند» صفت جانشین موصوف است و هم می‌تواند در ذیل راه‌های تأکید اسم قرار گیرد و هم می‌تواند در بخش صفت ذکر شود اما چون اغلب آن را در بخش راه‌های تأکید اسم ذکر کرده‌اند ما نیز آن را در ذیل مدخل اسم قرار دادیم؛
۵. در زیر تعدادی از روش‌ها خط کشیده شده است که به معنی پربسامد بودن این روش‌ها

در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه است؛

۶. در مورد روش‌هایی که زیر آنها خط نکشیدیم باید گفت شاید در آلبوم‌ها به کار رفته باشند اما چون بسامد بالایی نداشته‌اند و از طرفی بعضی از این روش‌ها بیشتر مربوط به شعرند تا نثر، آنها را جزء ویژگی‌های آثار او در نظر نگرفتیم.

بحث

روش‌های مؤکد ساختن کلام در دستور زبان فارسی





نمودار ۱: روش‌های مؤکد ساختن کلام در صرف و نحو فارسی

شیوه‌های تأکید در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه قاجار

با نگاهی به نمودار می‌بینیم ۵۰ روش از ۵۷ روش مؤکد ساختن اقسام کلمه و ۱۱ روش از ۱۶ روش تأکید جمله که ذکر کردیم در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه به کار رفته است. در ادامه برای جلوگیری از اطاله سخن از میان همه روش‌هایی که در این آثار به کار رفته‌اند تنها به ذکر پربسامدترین آنها می‌پردازیم و آنها را به پنج دسته اصلی تقسیم می‌کنیم: ۱. تأکید با استفاده از انواع قید ۲. تأکید با استفاده از انواع تکرار ۳. تأکید با استفاده از ضمیر مشترک «خود» ۴. تأکید با استفاده از کلماتی که کلیت افراد را نشان می‌دهند ۵. سایر راه‌های تأکید. در این مورد گفتنی است که شماره‌گذاری هر روش بر اساس مداخل نمودار است و مثلاً عدد ۱-۱-۳ یعنی ۱. صرف ۱. روش‌های تأکید اسم ۱. تکرار ۳. اتباع یا مرکب اتباعی.

بخش صرف

تأکید با استفاده از انواع قید

«قید کلمه‌ایست که مضمون جمله یا فعل یا صفت یا قید یا گروه وصفی یا قیدی یا فعلی و یا هر کلمه دیگری به‌جز اسم و جانشین اسم را مقید کند و چیزی به معنی آن بیفزاید» (همان، ۱۳۸۴: ۴۵۹).

قید و انواع آن به‌خصوص قیدهای زمان، مکان، حالت، کمیت، کیفیت، معیت و استثنا در یادداشت‌های ناصرالدین شاه از پربسامدترین و مهم‌ترین عناصر دستوری مورد استفاده است. همان‌طور که در تعریف قید آمده این رکن دستوری قابل حذف، توضیحی اضافی است درباره جنبه‌ای از صفت و فعل و جمله و... که همین توضیح اضافی در واقع یعنی جلب توجه خواننده یا شنونده به جنبه‌ای خاص از آن رکن دستوری پس شاید بتوان گفت در گُنه همه قیود، خودبه‌خود نوعی تأکید وجود دارد اما در اینجا تنها به تعدادی از مهم‌ترین و پربسامدترین قیود به‌کاررفته در این یادداشت‌ها می‌پردازیم.

الف. «بسیار» و «خیلی»

از بین قیدهای مؤکد قید و صفت و فعل و... دو قید «بسیار» و «خیلی» پربسامدترین قیدهای به‌کاررفته در آثار ناصرالدین شاه و به‌طور کلی از مهم‌ترین کلمات در دایره لغات او هستند؛ در آلبوم‌های مورد بررسی از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ق، حدود ۸۲۰۰ بار کلمه «خیلی» و حدود ۷۰۰۰ بار کلمه «بسیار» هرچند سطر یک‌بار به کار رفته است که عموماً در نقش قیدِ قید و به‌خصوص

قید صفت قرار گرفته‌اند. ترکیباتی چون: خیلی خوب، خیلی بد، بسیار خسته، بسیار کسل، خیلی کثیف، خیلی قشنگ و... با بسامد بالایی در یادداشت‌های او به کار رفته‌اند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

قیدهای بسیار، خیلی، سخت و... + قید (قید قید)

«از اول سفر الی حال ریشش را گذاشته بود، خیلی زیاد شده بود» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۳۴).

«شب هم بسیار کم آش خوردم» (همان: ۷۶).

قیدهای همه، هیچ، بسیار، خیلی، سخت و... + صفت

«الحمد لله مزاج من خیلی سالم است» (همان: ۱).

«بعد رفتم خوابیدم الحمد لله بسیار خوب خوابیدم» (همان: ۸۵).

«صبح از خواب برخاسته بسیار کسل بودم» (همان: ۸۶).

قیدهای همه، هیچ، بسیار، خیلی، سخت و... + فعل

«راه بدی بود، پیاده خیلی رفتم» (همان: ۷۵).

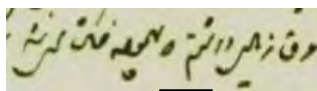
«از بس خسته و کج خلق شدم هیچ نگفتم» (همان: ۳۱۳).

ب. «البته»، «ابداً»، «به هیچ وجه»، «واقعاً»

از میان قیود تأکید، قید «البته» با حدود ۱۵۰ بار، «ابداً» با حدود ۱۳۰ بار، «به هیچ وجه» با حدود ۱۰۰ بار و «واقعاً» با حدود ۹۰ بار تکرار، پربسامدترین قیدها هستند. قید «البته» در آثار ناصرالدین شاه به همان معنی لغوی «بی‌شک» و «قطعاً» است. اینک چند مثال از روزنامه‌های خاطرات او:

قیدهای تأکیدی همراه با فعل

در مثال تصادفی زیر که برای عبارت «به هیچ وجه» برگزیدیم می‌بینیم مصحح (فاطمه قاضیها) فعل مفرد «داشتیم» را «داشتیم» خوانده است:



اصل نسخه: «عرق زیادی داشتم که به هیچ وجه خشک

نمی‌شد» (همان: ۷۳).

جگرها را به تازی دادیم. عرق زیادی داشتیم که به

هیچ وجه خشک نمی‌شد. شکار را بار کرده راندم رو به سر قنات

خوانش مصحح:

(ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

قیدهای تأکید جمله (البته، هرگز، همانا و...)

«هوا به شدت بهار است و ابدأ یخ نمی‌کند» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان

اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۸۴).

تأکید با استفاده از انواع تکرار

تکرار بافاصله یا بی‌فاصله اجزای کلام یکی از مهم‌ترین روش‌های تأکید و از مهم‌ترین و پربسامدترین ویژگی‌های سبکی آثار ناصرالدین شاه است. گویی او خودآگاه یا ناخودآگاه پیوسته درصدد اقتناع خواننده احتمالی خاطراتش است و تلاش می‌کند نشان دهد هر چه می‌گوید حقیقت است و واقعاً آن اتفاق به همان شکلی که توصیف می‌کند روی داده است و به همین دلیل در ضمن توصیفات خود از بعضی اتفاقات، صحنه‌هایی خاص را چندین بار با جملات واحد یا با کمی تغییر تکرار می‌کند؛ همچنین به نظر می‌رسد هجوم عواطف و احساسات مثبت و منفی در درون او بسیار قوی است و برای آنکه ضمن ثبت خاطرات خود بتواند آن احساس مثبت یا منفی را هم به همان شدتی که در زمان وقوع، احساس کرده است ثبت کند از انواع روش‌های تأکید استفاده می‌کند که مهم‌ترین آنها تکرار است. یکی از مهم‌ترین انواع تکرار که ما آن را از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی ناصرالدین شاه هم می‌دانیم، ذکر سه‌باره قیدهای کمیت «خیلی» و «بسیار» پیش از صفت است:

«بسیار بسیار بسیار کسل بودم سردرد، زکام، سست، چیز غریبی شده بودم»^۴ (همان: ۱۱).

مرحوم وحیدیان کامیار می‌نویسد: «در زبان عاطفی مسئله خبررسانی مطرح نیست، بلکه نشان دادن عواطف با واژه‌ها مطرح است و تکرار یکی از ابزارهای بسیار بااهمیت برای این کار است که زبان عاطفی برای عینیت بخشیدن به عواطف شدید از آن استفاده می‌کند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۶: ۲۱).

هرچند وحیدیان این جملات را درباره زبان شعر می‌گوید از آنجاکه ما معتقدیم تکرارهای چندباره کلمات و جملات از سوی ناصرالدین شاه از هیجانان روحی و عاطفی او نشأت می‌گیرد، می‌توانیم بگوییم این دست تکرارهای وی نیز نمودی از عواطف شدیدی است که در

لحظه بر قلم او جاری می‌شود.

در اینجا یک پاراگراف از یادداشت‌های او را نقل می‌کنیم که به خوبی نشان می‌دهد در هنگام نوشتن این جملات چگونه دستخوش هیجان و شادی بسیار شده است و چگونه این هیجان‌ات در قالب تکرارهای پیوسته ارکان دستوری و قیود تأکید نمود پیدا کرده است:

«روز دوشنبه صبح سوار شده به عزم شکار کبک و تیهو رفتم به قوری‌چای. جمع سفها و قوشها و غیره بودند. هشت عدد تیهو و کبک من زدم. اغلب روی هوا زدم. امروز بسیار بسیار خوب تفنگ انداختم. دو تیهو را روی هوا یکی با این لوله یکی با آن لوله زدم. باقرقره هم چهار عدد زدم. همه را در هوا. یکی را روی اسب در تاخت پرزور روی هوا زدم. بسیار خوب زدم. امروز کبک و تیهو زیاد شکار شد. قریب صد کبک و تیهو شکار شد، خرگوش زیاد! قوری‌چای خیلی داشت. همه شکار کردند و سیر شدند» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۹).

در این چند جمله تقریباً تمام مهم‌ترین روش‌های تأکید در کلام را می‌بینیم: صفات مبهم شمول و کمیت زیاد پیش از اسم: جمع سفها و قوشها و غیره بودند. ذکر ضمیر منفصل: هشت عدد تیهو و کبک من زدم.

تکرار بافاصله قید مشابه: ۳ بار تکرار متمم قیدی «روی هوا» و ۱ بار «در هوا». تکرار بی‌فاصله قید: بسیار بسیار خوب.

قیدهای همه، هیچ، بسیار، خیلی، سخت و... + صفت: بسیار خوب زدم. ممیز (وابسته صفت شمارشی): هشت عدد تیهو و کبک من زدم. باقرقره هم چهار عدد زدم. (جمله درواقع چهار عدد باقرقره است که در اینجا موصوف مقدم شده است). تکرار بافاصله فعل: ۶ بار تکرار فعل «زدم». ۲ بار تکرار فعل «شکار شد».

قیدهای همه، هیچ، بسیار، خیلی، سخت و... + فعل: اغلب روی هوا زدم. امروز کبک و تیهو زیاد شکار شد. خرگوش زیاد [شکار شد]. یکی را روی اسب در تاخت پرزور روی هوا زدم.

نائب فاعل در فعل‌های مجهول: امروز کبک و تیهو زیاد شکار شد. قریب صد کبک و تیهو شکار شد. خرگوش زیاد [شکار شد].

تقدیم مفعول: هشت عدد تیهو و کبک [را] من زدم. دو تیهو را روی هوا ... زدم. یکی [را] با این لوله [زدم] یکی [راه] با آن لوله زدم. باقرقره [را] هم چهار عدد زدم. همه را در هوا [زدم]. یکی را روی اسب در تاخت پرزور روی هوا زدم.^۷

دو نکته از تحلیل این پاراگراف به دست می‌آید:

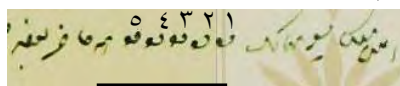
نخست: روش‌های تأکید فعل و صفت بیش از بقیه روش‌ها به کار رفته است؛ دوم: روش «تکرار» بسامد بالایی دارد که باید گفت هر دو این موارد از ویژگی‌های مهم سبکی ناصرالدین شاه است.

«تکرار می‌تواند گاهی برای تأکید، گاهی برای جلب توجه خواننده، گاهی برای برجسته‌سازی، یادآوری و یا سایر اهداف منظور شناختی [در پاورقی: Pragmatic باشد]» (طیب، ۱۳۸۳: ۶۷). که ما در این چند جمله و به‌خصوص در وصف صحنه‌های شکار به‌خوبی تکرارهای هیجان‌زده ناصرالدین شاه را بر شکار «زدن»‌هایش که بخش مهمی از زندگی او را تشکیل می‌دهد و شادی حاصل از موفقیت‌های این «من» را می‌بینیم که موفق شده شکارهای زیادی را آن‌هم «روی هوا» بزند. پاراگراف یادشده همچنین ما را به یاد سخنانی از گوستاو لو بن به نقل از عباس شوقی می‌اندازد:

«تأکید احتیاجی ندارد بدلائل عقلی متکی شود فقط باید موجز و مختصر بوده و بصورت حماسی و مؤثر ادا گردد ... تکرار متمم و مکمل ضروری تأکید میباشد و کسیکه لفظی یا فکری و یا فرمولی را پیاپی تکرار نماید آنرا متحول ساخته بصورت عقیده مبدل می‌نماید ... قوه تکرار بقدری است که خود شخص را هم بآن کلماتی که تکرار می‌کند معتقد بسازد» (شوقی، ۱۳۲۳: ۴۷۵-۴۷۶).

چند مثال دیگر از انواع تکرار:

تکرار همان اسم



اصل نسخه: (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی)

سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۶۲).

و صاحب‌منصبان، امیر تومان، امین‌الملک، معیر‌الممالک

و غیره و غیره و غیره و غیره همه حاضر بودند. صحبت شد. الحمدلله تعالی به سلامتی خوانش مصحح:

(ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۲۶۳). همان‌طور که می‌بینیم در نسخه ۵ بار «و غیره» تکرار شده که مصحح (قاضیها) یکی از آنها را جا انداخته است.

تکرار قید

تکرار قید یکی از پربسامدترین ویژگی‌های سبکی ناصرالدین شاه و به عقیده نگارنده از مهم‌ترین نمودهای شخصیت اوست. در مثال‌هایی که تا اینجا ذکر کردیم به گوشه‌ای از شخصیت او به‌عنوان فردی آشنا شدیم که می‌تواند در خیلی مواقع بیش‌ازحد عادی هیجان‌زده شود و یا احساسات مثبت یا منفی را با شدت بیشتری در وجود خود تجربه کند؛ باید گفت این بخش از کلام او که تا حدود زیادی منحصر به فرد اوست و نگارنده مانند آن را در آثار این دوره و حتی دوره‌های قبل و بعد بسیار بسیار معدود مشاهده کرده است، نمونه بسیار خوبی برای شناخت بیشتر شخصیت اوست.

در جدول ۱ بسامد واژه‌های «خیلی» و «بسیار» با یک‌بار به کار رفتن و یا دو یا سه بار تکرار و در جدول ۲ و ۳ ده صفت پربسامدی نشان داده شده است که بعد از قیدهای مکرر «بسیار بسیار» و «خیلی خیلی» قرار گرفته‌اند:

جدول ۱: بسامد حدودی واژه‌های «خیلی» و «بسیار» در یادداشت‌های ناصرالدین شاه از سال

۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ق

خیلی	خیلی خیلی	خیلی خیلی	خیلی خیلی	بسیار بسیار	بسیار بسیار
۸۰۰۰	۲۱۰	۱۵	۵۴۰۰	۱۲۰	۱۲۰۰

جدول ۲: بسامد حدودی صفات بعد از گروه قیدی «بسیار بسیار» از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ق

صفت	خوب	بد	سرد	خسته	بزرگ	باصفا	گرم	قشنگ	خوشگل	کسل
بسامد حدودی	۲۳۰	۱۱۰	۱۰۰	۷۵	۷۰	۶۰	۶۰	۵۵	۵۵	۵۰

جدول ۳: بسامد حدودی صفات بعد از گروه قیدی «خیلی خیلی» از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ق

کسل	پیاده	بد	گرم	دور	خسته	باصفا	بزرگ	سرد	خوب	صفت
۱۰	۱۰	۱۰	۱۵	۲۰	۳۰	۳۵	۳۸	۴۰	۴۵	بسامد حدودی

همان‌طور که می‌بینیم به نظر می‌رسد ناصرالدین شاه بیشتر در لحظه‌های مثبت و در مواقع خوشحالی و برای توصیف آنچه از آن لذت برده است از تکرار قیدهایی «بسیار» و «خیلی» استفاده می‌کند.

مثالی دیگر از این مدخل:

«هوا مهتاب بود و باجوهر بسیار بسیار سرد بود که حساب نداشت مثل هوای بهشت» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۰۸).

تکرار صفات مترادف

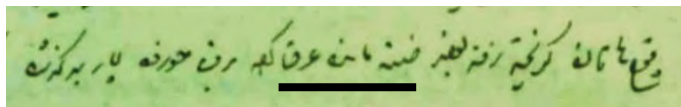
در میان صفت‌های مترادفی که در یادداشت‌های او به دنبال هم تکرار شده‌اند دو صفت «خسته» و «مانده» حدود ۸۰ بار در کنار هم قرار گرفته‌اند که حدود ۵۰ بار به صورت معطوف «خسته و مانده» آمده:

(همان: ۶۸).

و حدود ۳۰ بار بدون حرف عطف واو و به صورت «خسته [،] مانده»:

«قوچ‌ها تازه گریخته رفته بودند. خسته، مانده، عرق کرده، برف خورده [بودی] بسیار بد گذشت» (نسخه خطی آلبوم ۹۴ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۳۰: ۱۹).

متأسفانه مجید عبدالمین مصحح تعدادی از آثار ناصرالدین شاه، همه‌جا این دو کلمه مجزا را به صورت یک کلمه مجعول تقریباً بی‌معنا و به‌عنوان صفت مفعولی «خسته مانده» خوانده و ضبط کرده است که شاید حاصل ناآگاهی از معنای کلمه «مانده» (به معنی خسته و ناتوان) باشد. به این ترتیب بار دیگر شاهدیم که نداشتن تخصص لازم و کافی در حوزه زبان و ادبیات فارسی که لازمه ورود به عرصه تصحیح تخصصی نسخ خطی است، چگونه یک ویژگی سبکی مهم آثار ناصرالدین شاه را از بین برده است. در اینجا نسخه خطی مثالی را که ذکر کردیم به همراه خوانش مصحح نشان می‌دهیم:



اصل نسخه:

قوچ‌ها به دامنه صحرای قوچ‌ها تازه گریخته رفته بودند. خسته مانده، عرق کرده، برف‌خورده،

بسیار بد گذشت. (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۹: ۲۵)

خوانش مصحح:

و سه بار دیگر در همین کتاب در صفحات: ۱۱۴، ۱۶۱، ۲۱۸.

بعد سوار شده، خسته مانده، غروبی وارد منزل شدیم. (همان،

همچنین در تصحیح دیگری از او:

۱۳۹۸: ۲۶).

تکرار بی فاصله فعل

«بعد رفتم رفتم الی ناهار گاه به ناهار افتادیم» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان

اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۲۲).

تکرار شبه جمله

«های‌های می‌شد که شکار آمد می‌دویدم می‌رفتم بالا برای دره شکار را می‌زدم می‌آدمم دست

به هندوانه می‌بردم که بخورم های‌های می‌شد می‌رفتم می‌زدم می‌آدمم چای به لب نرده

های‌های می‌شد باز می‌رفتم می‌زدم می‌آدمم. خیلی خیلی بامزه بود» (همان: ۱۴۳).

یکی دیگر از اشکال تکرار، اتباع یا مرکب اتباعی است:

«اتباع آمدن کلمه‌یی پس از کلمه دیگر برای اشباع و تأکید است چنانکه کلمه لاحق در وزن و

روی با کلمه قبلی یکسان باشد» (شعار، ۱۳۴۲: ۲۲). از این مقوله دستوری با عنوان فرایند تکرار

ناقص نیز یاد شده است: «در این نوع تکرار قسمتی از کلمه پایه تکرار می‌شود و به بخش مکرر

جزئی افزوده یا از آن کاسته می‌شود. وند دوگانی یا بخش مکرر ممکن است قبل از پایه یا

پس‌از آن قرار گیرد. با توجه به جایگاه این وند، فرایند تکرار ناقص را به انواع پیشوندی و

پسوندی تقسیم می‌کنیم» (شقایق، ۱۳۷۹: ۵۲۸).

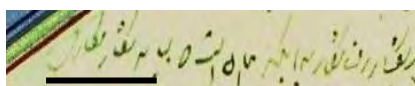
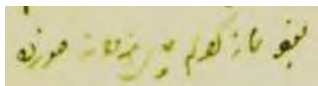
یادداشت‌های ناصرالدین شاه از بهترین منابع اطلاع از کلمات و جملات عامیانه و گاهی زبان

گفتار از دوره قاجار است؛ یکی از این قبیل ترکیبات که بارها در آثار او به کار رفته است

مرکب‌های اتباعی است که به ذکر نمونه‌هایی از آنها می‌پردازیم:

کاربرد اتباع یا مرکب اتباعی در تأکید اسم

برای این مدخل نگارنده چهار مثال تصادفی را برگزید که در دو مورد با اغلاط مختلف مصححان مواجه شد:

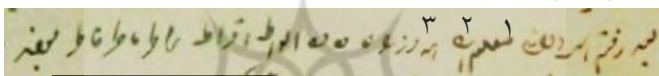


اصل نسخه خطی:

(نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۶۰).

مکارتی نبود. نماز کردیم، جای او اهندوانه خورده، (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۵: ۲۵) مکارتی نبود. نماز کردیم، جای او اهندوانه خورده، (ناصرالدین شاه، ۱۳۹۵: ۲۵)
خوانش مصحح (مجید عبدالمین):

در اصل نسخه ناصرالدین شاه «شکار مکار» نوشته و «ی» نکره به جزء بی معنای دوم اضافه شده اما در خوانش مصحح هم به پایه و هم به بخش مکرر «ی» نکره اضافه شده است که رده بندی ساخت انواع اتباع را تغییر می دهد.



اصل نسخه:

«بعد رفتیم اسب دوانی معلوم است همه وزرا و غیره و غیره و غیره الواط اقراط شاطر ماطر قاطر بودند» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۰).

خوانش مصحح (فاطمه قاضیها) که سه کلمه «معلوم»، «است» و «همه» را از نسخه اصلی جا بعد رفتیم اسب دوانی وزرا و غیره و غیره و غیره الواط، اقراط.

شاطر، ماطر، قاطر بودند. (ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

می بینیم چگونه کوچک ترین بی دقتی در تصحیح نسخ خطی می تواند در کار سبک شناس و نتایجی که با استناد به این تصحیحات اعلام می دارد خلل ایجاد کند. دو مثال دیگر:

«قدری برات معیر و غیره داشته نوشته سوار کالسکه شده رفتیم دوشان تپه» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۰).

«رفتیم رسیدیم به رحمت الله. هر چه گشتیم قوچی قوچی ندیدیم برگشتیم» (همان: ۱۵۶).

تأکید با استفاده از ضمیر مشترک «خود»

استفاده از کلمه «خود» پیش از اسم یا ضمیر و یا به عنوان بدل پس از اسم و ضمیر در یادداشت های ناصرالدین شاه بسامد بالایی دارد. در آلبوم شماره ۹۷ کلمه «خود» و تصریفات آن

حدود ۶۰۰ بار، در آلبوم ۹۵، حدود ۴۰۰ بار، در آلبوم ۹۳، حدود ۶۰۰ بار و در سایر آلبوم‌ها نیز در همین حدود به کار رفته است. لازم به ذکر است که او کلمه «خویش» را هیچ‌گاه به‌عنوان ضمیر مشترک به کار نبرده است و تنها به معنای خویشاوند استفاده کرده است آن‌هم با بسامدی حدود ۱۰۰ بار از سال ۱۲۷۹ ق تا حدود سال ۱۳۰۰ ق:

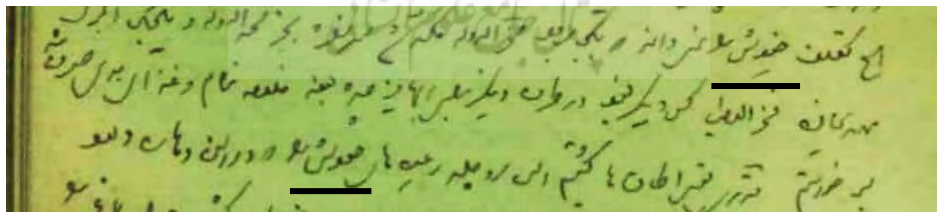
«میرزا فرج‌الله خویش رحمت‌الله خان یک مرد قرمساق غریبی است» (همان: ۵۱).

«نایب اول فوج سوادکوهی که خویش اسدالله بیگ یاور است» (همان: ۱۲۳).

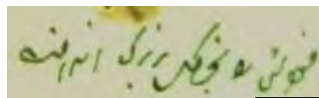
حال می‌بینیم تنها یک‌بار کلمه «خویش» به‌عنوان ضمیر مشترک در روزنامه‌های خاطرات دیده می‌شود یعنی ص ۷۹ از جلد دوم کتاب «روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان» به تصحیح خانم فاطمه قاضیها. در متن زیر به دو کلمه‌ای که در زیر آنها خط کشیده شده است دقت کنید:

است، هیچ تکلیف خویش را نمی‌داند که به کجا برود، مخبرالدوله مکه شد، سر سفره به جز مجدالدوله و ملیجک، اکبری، مهدی خان، فخرالاطباء کس دیگر نبود. در طرف دیگر برای آن‌ها میز چیده بودند، خلاصه شام و غذای بدی صرف شد. برخاستم قدری توی اطاق گشتم، این روچیلد رعیت‌های خودش را که در این دهات دارد جمع کرده (ناصرالدین شاه، ۱۳۷۱: ۷۹).

اصل نسخه:



(نسخه خطی آلبوم ۹۶ بیوات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ۲۹۵/۷۲۲۸: ۱۶۲). می‌بینیم نگارش این کلمه بیش از آنکه به نگارش کلمه «خویش» در مثال‌های بالا نزدیک باشد به نگارش کلمه «خودش» در دو سطر پایین‌تر شبیه است. مثالی دیگر از نگارش کلمه «خودش»:



«خودش را به جنگل بزرگ انداخت» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۵).

با توجه به مثال‌های بالا می‌بینیم آن یک موردی هم که کلمه «خویش» به‌عنوان ضمیر مشترک ثبت شده است در واقع اشتباه بدخوانی مصحح است و آنجا نیز کلمه «خود» به کار رفته و همان‌طور که بارها ناصرالدین شاه نقطه‌های یک حرف را بافاصله از آن حرف می‌نویسد (در همان مثال به محل قرار گرفتن نقطه‌های «مهدیخان» توجه کنید) در اینجا نیز احتمالاً نقطه‌های حرف ی در کلمه «تکلیف» است که بافاصله از آن و زیر واژه «خودش» نوشته شده است. حال به ذکر نمونه‌هایی از کاربرد ضمیر مشترک «خود» در یادداشت‌های ناصرالدین شاه می‌پردازیم:

قرار گرفتن ضمیر مشترک «خود» پیش از اسم

«رد ببر زیاد بود خود ببر را هم آدم امیر آخور دیده بود.» (همان‌جا)
 «آدم مصطفی قلی خان، محمدعلی آمد خود مصطفی قلی خان هم در سر کوه ... پیدا بود» (همان: ۴۱).

قرار گرفتن خود یا همه، جمعاً و... پس از اسم (بدل تأکیدی)

«قرار شد برویم سنگ‌چین بالا میرشکار خودش با اتباعش بروند سر بزنند.» (همان: ۶۶۱)
 «آقا علی خودش خفیف شده بود» (همان: ۵۳۹).

قرار گرفتن خود یا همه، جمعاً و... پس از اسم (بدل تأکیدی)

در جدول زیر بسامد تصریفات ضمیر مشترک «خود» به‌عنوان بدل تأکیدی از سال ۱۲۷۹ ق تا ۱۳۰۶ ق نشان داده شده است. تصریفات پربسامد با خطی زیر آنها نشان داده شده است:
 جدول ۴: بسامد تصریفات ضمیر مشترک «خود» به‌عنوان بدل تأکیدی در یادداشت‌های ۱۲۷۹

تا ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه

من	من	تو	تو	او	او	ما	ما	شما	شما	آنها	آنها
خود	خودم	خودت	خود	خودش	خود	خودمان	خود	خودتان	خود	خودشان	خودشان
۲۰ بار	۳۰ بار	یک بار	دیده نشد	یک بار	حدود ۵ بار	حدود ۳۰ بار	یک بار	دیده نشد	دیده نشد	یک بار	یک بار

همان‌طور که می‌بینیم به ترتیب تصریفات «من خودم» و «ما خودمان» با حدود ۳۰ بار تکرار و «من خود» با حدود ۲۰ بار تکرار پربسامدترین حالت‌های بدل تأکیدی در روزنامه‌های خاطرات هستند. مثال:

«به مصطفی قلی خان گفتم من خودم فردا تنها به شکار مارق می‌روم تو نیا» (همان: ۲).
 «تابه‌حال همچو جرگه نشده بود سیزده شکار که همه تکه بودند از ۱۱ ساله الی دوساله من خودم زدم» (همان: ۳).

گفتنی است قرار گرفتن ضمیر مشترک «خود» پیش از ضمیر منفصل بسامد بسیار کمتری دارد:

جدول ۵: بسامد تصریفات ضمیر مشترک «خود» پیش از ضمیر منفصل در یادداشت‌های

۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه

خود من	خود تو	خود او	خود ما	خود شما	خود آنها
در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ حدود ۵ بار و در سال ۱۳۰۶ کمتر از ۱۰ بار	دیده نشد	کمتر از ۱۰ بار (از ۱۳۰۶ ق به بعد)	حدود ۱۰ بار	دیده نشد	۳ بار

تأکید با استفاده از کلماتی که کلیت افراد را نشان می‌دهند

«برای تأکید اسمها و ضمائر جمع کلماتی می‌آورند تا نشان داده شود که مفهوم جمع شامل همه افراد است نه شامل بعضی از آنها و در نحو زبان عربی آنرا تأکید دفع توهم عدم شمول می‌گویند و در فارسی خود بر چند قسم است: الف - واژه‌هائی می‌آیند که بر کمال و کلیت دلالت می‌کنند مانند: همه، جمعاً، مجموعاً ... در زبان رسمی امروز و همه‌شون، همه‌تون ... در فارسی محاوره. و تمامی، سراسر، یکایک ... در قدیم. اینها گاهی اسم را تأکید می‌کنند و گاهی فعل و جمله را و بندرت صفت را هم مؤکد می‌سازند مثال: ما همه‌مون آمدیم ... ب - اعدادی که با «هر» می‌آیند ... ج - بعضی از واژه‌هائیکه با هر و هیچ می‌آیند مانند: هرکدام، هیچکدام ... د- بوسیله دو صفت متضاد: بزرگ و کوچک، خرد و کلان، وضع و شریف» (فرشید ورد، ۱۳۵۴: ۵۸۱-۵۸۲).

ناصرالدین شاه در یادداشت‌های خود به‌وفور از تمام این ساخت‌ها استفاده کرده است اما می‌توان گفت استفاده از واژه «همه» در نقش صفت مبهم پیش از اسم یا ضمیر و یا در نقش

بدل از پربسامدترین این ساخت‌هاست. او علاقه دارد از حضور «همه» افراد در شکارها، دور همی‌ها و اتفاقات مختلف خبر دهد و به همین دلیل واژه «همه» از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ق حدود ۷۰۰۰ بار در یادداشت‌های او به کار رفته است؛ گویی جمع بودن همگان دور او در او نوعی احساس امنیت و آرامش خاطر ایجاد می‌کند و به همین دلیل ابتدا نام تک‌تک افرادی را که حضور دارند می‌نویسد و بعد هر جا از این جمع «همگان» فرد یا افرادی غایب است، با ذکر نام و توضیح علت نبودنش، گویی این «نبود» را توجیه می‌کند. به این قبیل جملات که در ابتدای هر شکار و سفر و گردش و ... تکرار می‌شود توجه کنید:

«زن‌های ما همه آمده‌اند به‌جز تومان آقا^۸ ... تومان آقا ناخوش بوده است الحمدلله خوب شده است اما زن‌های ما هم سه‌روزه آمدند تا همه جمع شده‌اند. غلام بچه‌ها هستند به‌جز آقا وجیه. ماچکی و شوهری چند روز عقب‌تر آمدند همه خواجه‌ها هستند به‌جز آقا سلیم که در سلطنت آباد مانده است ... همه پیشخدمت‌ها هستند به‌جز آقاخان تلخ و...» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱).

و حتی در توضیح نبود بعضی از افراد به علت دقیق ناخوشی آنها مانند ابتلا به یبوست و خوردن نمک اشاره می‌کند تا مشخص شود چرا همراه او نیستند:

«ناصر الملک بود دندان‌ش را کشیده بود. عکاس باشی، عرفانچی [بودند] سیاچی نمک خورده است در شهر است اما عصری آمد دوشان تپه» (نسخه خطی آلبوم ۹۴ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۳۰: ۱۱۸).

نمونه‌هایی دیگر از کاربرد کلمات نشان‌دهنده کلیت افراد پیش از اسم و ضمیر:

صفات مبهم شمول و کمیت زیاد پیش از اسم

«بعد رفتم پائین سواره‌ها هم از بالا همه آنهایی که در ناهارگاه بودند آمدند» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۱۳۳).

عطف دو صفت یا اسم متضاد

«به‌غیر از این هم باز چشمه در هر طرف کوچک و بزرگ دیده می‌شود» (همان: ۵۴۷).

قرار گرفتن خود یا همه، جمعاً و... پس از اسم (بدل تأکیدی)^۹

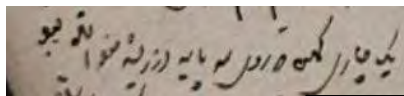
بسامد این قسم بسیار زیاد است:

«غلام بچه‌ها همه هستند به جز آقا و جیه ... کنیزها همه هستند. خواننده‌ها همه هستند. هاجری هست ... سایر اهل آبدارخانه و غیره و غیره همه هستند» (همان: ۸).

سایر راه‌های تأکید

اجتماع یک و ی نکره در اسم

در این مثال یک ویژگی سبکی پربسامد در آثار ناصرالدین شاه به خاطر بدخوانی مصحح از بین رفته است:



«یک چناری کهن که روی سه‌پایه از ریشه خود

ایستاده بود» (همان: ۱۳۳).

خوانش مصحح (فاطمه قاضیها):

یک چنار کهن که

روی سه‌پایه از ریشه خود ایستاده بود. آنجا بود، که الی حال به این کهنگی چنار

(ناصرالدین شاه،

۱۳۹۷: ۷۴).

«یک قوچی از طرف چپ آمد گذشت» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۳۵۳).

صفت + شبه جمله (هزار افسوس)

«اما هزار افسوس که همه اطاق‌ها و تالارها را از میان بریده تخته‌بندی کرده‌اند» (نسخه خطی

آلبوم ۹۴ بیوتات سلطنتی سازمان اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۳۰: ۴۸).

بخش نحو

تکرار بی‌فاصله جمله

«هی آمدیم هی آمدیم مگر به منزل می‌رسیم؟» (نسخه خطی آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی سازمان

اسناد ملی، ش ۲۹۵/۷۲۲۶: ۵).

تقدیم مسند و فعل بر مسندالیه

«خیلی سرد بود هوا» (همان: ۴۱۸).

تقدیم مفعول

در یادداشت‌های ناصرالدین شاه بسامد تقدیم مفعول بر سایر اجزای جمله، نسبت به تقدیم دیگر ارکان جمله بسیار بیشتر است؛ شاید بتوان در تبیین علت آن گفت در بسیاری از موارد او

به‌محض اندیشیدن به جمله‌ای آن را ثبت می‌کند و برای همین آن بخش از جمله که در نظر او تأکید بیشتری دارد یا خبر دادن راجع به آن جالب‌تر است، خودآگاه یا ناخودآگاه بر سایر اجزای جمله مقدم می‌شود؛ همچنین در گزارش نویسی بیشتر از کارهایی یاد می‌شود که بر موضوعاتی واقع شده‌اند و هر قدر این موضوعات جالب‌تر باشند در ضمن نگارش زودتر بیان می‌شوند؛ پس طبیعی است که بسامد تقدیم مفعول در آثار ناصرالدین شاه هم که نوعی «خبرنویسی» یا «گزارش‌نویسی» یا «خبرنگاری» از وقایع جالب‌توجه اوست بیشتر باشد؛

«یک چیل [را] من با قوش گرفتم» (همان: ۵).

«زاغچه را زنده گفتم شهر بیاورند ول کنم توی باغ» (همان: ۱۰).

فعل‌ها و گروه‌های فعلی باید و لازم است ...

طبیعی است عبارت «باید رفت» از زبان شاه یک ملت با حدود ۲۰۰ بار تکرار از عبارات پرسامدی باشد که معمولاً در آغاز هر صبح و برای مشخص کردن شکارگاه یا تفرجگاهی که آن روز باید همگان به همراه شاه به آنجا بروند، نوشته شده است:

«گفتیم باید رفت به مسیله» (همان: ۴۹).

«بعد به تفصیل منازل و سفر بهار مازندران را که انشاء الله تعالی باید رفت به یحیی خان گفتم نوشت» (همان: ۱۷۸).

نتیجه‌گیری

در این مقاله به سه مبحث پرداختیم: اول برای نخستین بار با رویکرد زبانی، ادبی و سبکی و با روش توصیفی - تحلیلی - آماری به سراغ روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه رفتیم و انواع تأکید را در این آثار نشان دادیم و به این نتایج رسیدیم:

۱. پرسامدترین روش‌های تأکید در آثار او در پنج دسته قرار می‌گیرند: ۱. تأکید با استفاده از انواع قید؛ ۲. تأکید با استفاده از انواع تکرار؛ ۳. تأکید با استفاده از ضمیر مشترک «خود»؛ ۴. تأکید با استفاده از کلماتی که کلیت افراد را نشان می‌دهند؛ ۵. سایر راه‌های تأکید.

۲. ۵۰ روش از ۵۷ روش مؤکد ساختن اقسام کلمه و ۱۱ روش از ۱۴ روش تأکید جمله در روزنامه‌های خاطرات ناصرالدین شاه به کار رفته است که در این مقاله برای حدود ۳۵ روش پرسامدتر مثال آوردیم.

۳. قید و انواع آن از پربسامدترین و مهم‌ترین عناصر دستوری مورد استفاده در این یادداشت‌ها است. از این میان قیدهایی کمیت «بسیار» و «خیلی» به ترتیب با حدود ۸۲۰۰ و حدود ۷۰۰۰ بار و قیدهایی تأکید «البته» با حدود ۱۵۰ بار، «ابداً» با حدود ۱۳۰ بار، «به‌هیچ‌وجه» با حدود ۱۰۰ بار و «واقعاً» با حدود ۹۰ بار تکرار، پربسامدترین قیدهایی هستند.

۴. تکرار بافاصله یا بی‌فاصله اجزای کلام و به‌خصوص تکرار قید از پربسامدترین ویژگی‌های سبکی ناصرالدین شاه و نیز از مهم‌ترین عناصر نمود شخصیت اوست و از آن میان ذکر سه‌باره قیدهایی کمیت «خیلی» و «بسیار» پیش از صفت از بسامد بالایی برخوردار است؛ همچنین در میان صفت‌های مترادفی که در یادداشت‌های او به دنبال هم تکرار شده‌اند دو صفت «خسته» و «مانده» حدود ۸۰ بار - حدود ۵۰ بار به‌صورت معطوف «خسته و مانده» و حدود ۳۰ بار بدون حرف عطف واو و به‌صورت «خسته [،] مانده»- در کنار هم آمده است.

۵. استفاده از کلمه «خود» پیش از اسم یا ضمیر و یا به‌عنوان بدل پس از اسم و ضمیر در یادداشت‌های ناصرالدین شاه بسامد بالایی دارد و به ترتیب تصریفات «من خودم» و «ما خودمان» با حدود ۳۰ بار و «من خود» با حدود ۲۰ بار تکرار پربسامدترین حالت‌های بدل تأکیدی در آثار او هستند؛ همچنین او کلمه «خویش» را هیچ‌گاه به‌عنوان ضمیر مشترک به کار نبرده و تنها به معنای خویشاوند استفاده کرده است.

۶. تأکید با استفاده از کلماتی که کلیت افراد را نشان می‌دهند در یادداشت‌های او بسامد بالایی دارد و استفاده از صفت مبهم «همه» پیش از اسم یا ضمیر و یا در نقش بدل از پربسامدترین این ساخت‌هاست.

۷. بسامد تقدیم مفعول بر سایر اجزای جمله، نسبت به تقدیم دیگر ارکان در این یادداشت‌ها بسیار بیشتر است.

در مرحله بعد با تحلیل این داده‌ها به وجهی تازه از شخصیت ناصرالدین شاه پی بردیم و دانستیم که او:

۱. گویی خودآگاه یا ناخودآگاه پیوسته درصدد اقناع خواننده احتمالی خاطراتش است و همچنین هجوم عواطف و احساسات مثبت و منفی در درون او بسیار قوی است به همین دلیل در ضمن توصیفات خود از بعضی اتفاقات، صحنه‌هایی خاص را چند بار با جملات واحد یا با کمی تغییر تکرار می‌کند.

۲. علاقه دارد از حضور «همه» افراد در شکارها، دور همی‌ها و اتفاقات مختلف خبر دهد و برای همین واژه «همه» از سال ۱۲۷۹ تا ۱۳۰۶ ق حدود ۷۰۰۰ بار در یادداشت‌های او به کار رفته است؛ گویی جمع بودن همگان دور او در او نوعی احساس امنیت و آرامش خاطر ایجاد می‌کند.

۳. بسامد بالای تقدیم مفعول بر سایر اجزای جمله نشان می‌دهد او اکثراً به محض اندیشیدن به جمله‌ای آن را ثبت می‌کند و برای همین جزئی از جمله که در نظر او تأکید بیشتری دارد خودآگاه یا ناخودآگاه بر سایر اجزای جمله مقدم می‌شود؛ همچنین در گزارش‌نویسی بیشتر از کارهایی یاد می‌شود که بر موضوعاتی واقع شده‌اند و هر قدر این موضوعات مهم‌تر و جالب‌تر باشند در ضمن نگارش زودتر بیان می‌شوند؛ پس طبیعی است که بسامد تقدیم مفعول در آثار ناصرالدین شاه هم که نوعی «خبرنویسی» یا «گزارش‌نویسی» از وقایع جالب‌توجه اوست بیشتر باشد.

در نهایت گفتیم تصحیحات صورت گرفته از روزنامه‌های خاطرات او از معیارهای دقیق تصحیح تخصصی و روشمند نسخ خطی به دور است و موارد بدخوانی، حذف و اضافه کردن‌های غیرعلمی و اشتباهات فراوان در به کار بردن علائم نگارشی بارها به تغییر معنا و سبک جملات انجامیده است. برای اثبات این ادعا تمام شاهد مثال‌هایی را که در این مقاله از نسخ خطی انتخاب کرده بودیم با متن تصحیحات مقابله کردیم که دریافتیم از این میان مصححان ۱۳ بار به بدخوانی، حذف کلمات و بدفهمی دچار شده‌اند.



تصویر ۱: صفحه نخست آلبوم شماره ۹۷ بیوات سلطنتی سازمان اسناد ملی ایران، ش

پی‌نوشت‌ها

۱. تنها کسی که تا امروز حدود صد صفحه از مطالب یادداشت‌های این سال را بدون ذکر اطلاعات نسخه‌شناسی و شماره ثبت در آثار خود چاپ کرده خانم فاطمه قاضیها مدیر سابق بخش اسناد قدیم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است. ر. ک: قاضیها، فاطمه (۱۳۸۱). سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ ه. ق.). تهران: سازمان اسناد ملی ایران «پژوهشکده اسناد»، صص ۸۳-۱۲۹ و همو (۱۳۹۱) مراسم دربار ناصری (جشن آشپزان): ۱۲۸۵-۱۳۱۳ ق. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، صص ۸۱-۸۵.
۲. این آلبوم در سال ۱۳۷۸ به تصحیح مرحوم پرویز بدیعی در ۵۹۵ صفحه از سوی انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، منتشر شد که بر روی جلد، صفحه معرفی و شناسنامه کتاب به‌اشتباه به‌جای سال ۱۳۰۱-۱۳۰۴ سال ۱۳۰۳-۱۳۰۰ چاپ شده است.
۳. آلبوم نخست از آلبوم‌های کاخ گلستان در سال ۱۳۸۹ توسط الهام ملک‌زاده با عنوان «روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه» از سوی نشر کتابدار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است. پنج آلبوم بعدی کاخ گلستان توسط مجید عبدامین و گاهی با همکاری همسر خود خانم نسرین خلیلی مسئول بخش اسناد خطی تاریخی دوره قاجار در کاخ گلستان در سال ۱۳۹۷ (یادداشت‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۲ ق در سه کتاب) و سال ۱۳۹۸ (یادداشت‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۳ ق در یک کتاب) از سوی انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن منتشر شده است.
۴. این جمله از نظر دانش بدیع نیز جمله‌ای است مؤکد و دارای صنعت «تنسیق الصفات»: «برای یک اسم، صفات متوالی بیاورند یا برای یک فعل قیود مختلف ذکر کنند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۶۰). سه صفت کسل، زکام، سست و گروه اسمی «چیز غریبی» بر تأکید جمله افزوده است. این صنعت از ویژگی‌های پربسامد آثار ناصرالدین شاه است (ر. ک: ص ۱۵ همین مقاله، ذیل مدخل ۱-۴-۲). ترکیب «چیز غریب» که از ترکیبات پربسامد آثار ناصرالدین شاه است خود نمونه‌ای است از آرایه «اشاره»: «اشعار نمودن متکلم است به لفظ قلیل به سوی معنی بسیار» (گرکانی، ۱۳۷۷: ۶۰).
۵. فاطمه قاضیها کلمه «را» را در تصحیح خود جا انداخته است (ر. ک: ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۱۰۷).
۶. در اصل نسخه ناصرالدین شاه بین عبارت «خرگوش زیاد» و «قوری‌چای خیلی زیاد داشت» فاصله گذاشته و متوجه می‌شویم جمله «خرگوش زیاد» ادامه «قریب صد کبک و تیهو شکار شد» است و به‌صورت: «خرگوش زیاد [شکار شد]». اما خانم قاضیها جمله را به این صورت علامت‌گذاری کرده است که حشو دارد و از سبک و سیاق سخن ناصرالدین شاه به دور است: «خرگوش زیاد، قوری‌چای خیلی داشت» (همان‌جا).
۷. در این جملات انواع شیوه‌های تأکید در دانش معانی مانند اطناب و زیرمجموعه‌های آن از قبیل تکرار و تذیل و... و حتی تأکید بدیعی مانند اغراق در جمله: «قریب صد کبک و تیهو شکار شد» دیده می‌شود که ما ان‌شاءالله به روش‌های تأکید بلاغی در یادداشت‌های ناصرالدین شاه در مقاله‌ای دیگر خواهیم پرداخت.
۸. ناصرالدین شاه تومان آقا را در نسخه خطی به همین شکل نوشته است که البته مصحح (فاطمه قاضیها) نوشته است که همه آنها را به آغا تبدیل کرده است (ر. ک: ناصرالدین شاه، ۱۳۸۹: ۹۱).

۹. کلماتی مانند همه، جمعاً و... را هم می‌توان بدل دانست و هم قید (ر.ک: فرشید ورد، ۱۳۵۴: ۵۸۳). ما نقش بدلی را ترجیح می‌دهیم.

منابع

کتاب‌ها

۲۹۶

اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی (۱۳۵۰) *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه وزیر انطباعات در اواخر دوره ناصری مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری*، مقدمه و فهارس ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷) *لغتنامه دهخدا*، جلد سوم، تهران: دانشگاه تهران.

شمیسا، سیروس (۱۳۸۳) *نگاهی تازه به بدیع*، تهران: میترا.

فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۵) *جمله و تحول آن در زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.

فرشید ورد، خسرو (۱۳۸۴) *دستور مفصل امروز*، تهران: سخن.

قاضیها، فاطمه (۱۳۸۱) *سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ ه.ق)*، تهران: سازمان اسناد ملی ایران «پژوهشکده اسناد».

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۱) *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر سوم فرنگستان (کتاب دوم)*، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی و فاطمه قاضیها، تهران: مدیریت پژوهش و انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۹) *گزارش شکارهای ناصرالدین شاه قاجار: ۱۲۷۹-۱۲۸۱ ه. ق*، تصحیح فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۵) *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه: ربیع‌الثانی ۱۲۸۲ تا ربیع‌الاول ۱۲۸۳ ق به انضمام سفرنامه مازندران*، تصحیح مجید عبدامین، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۷) *دست‌نوشته‌های ناصرالدین شاه قاجار از سفر و شکار در فیروزکوه (محررم‌الی ربیع‌الاول ۱۲۸۲)*، تصحیح فاطمه قاضیها، تهران: میراث مکتوب.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۸) *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع‌الاول ۱۲۸۷ تا شوال ۱۲۸۸ ق به انضمام سفرنامه کربلا و نجف*، به کوشش مجید عبدامین، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۹۹) روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از شوال ۱۲۸۸ تا ذیحجه ۱۲۹۰ ق به انضمام سفرنامه اول فرنگ، تصحیح مجید عبدامین، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن.

ناصرالدین شاه قاجار، آلبوم ۹۴ بیوتات سلطنتی [روزنامه خاطرات از ۱۲۸۸ ق تا ۱۲۹۳ ق و سفرنامه ناصرالدین شاه قاجار به فرنگستان]، شماره منبع: ۲۹۵/۷۲۳۰، شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۳۲۹۶۷۲، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار، آلبوم ۹۶ بیوتات سلطنتی [سفرنامه ناصرالدین شاه به فرنگستان در سال ۱۳۰۶ ق]، شماره منبع: ۲۹۵/۷۲۲۸، شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۳۱۵۰۰۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

ناصرالدین شاه قاجار، آلبوم ۹۷ بیوتات سلطنتی [روزنامه خاطرات از ۱۲۷۹ ق تا ۱۲۸۵ ق]، شماره منبع: ۲۹۵/۷۲۲۶، شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۳۰۸۰۵۷، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

گرکانی، محمدحسین شمس‌العلماء (۱۳۷۷) *ابدع البدایع*، به اهتمام حسین جعفری، با مقدمه جلیل تجلیل، تبریز: احرار تبریز.

وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۶) *در قلمرو زبان و ادبیات فارسی*، مشهد: محقق.

مقالات

رفیعی، داود. (۱۳۹۶). روش‌های تأکید کلمه در زبان فارسی. پژوهش‌های دستوری و بلاغی، ۱۲(۷)، ۱۴۷-۱۶۴. doi: 10.22091/jls.2018.1379.1061

شعار، جعفر. (۱۳۴۲). بحثی درباره اتباع (۱). یغما، (۱۸۱)، ۲۰۲-۲۰۴.

شقایق، ویدا. (۱۳۷۹). فرآیند تکرار در زبان فارسی. مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبان‌شناسی نظری و کاربردی، به کوشش سید علی میرعمادی، جلد اول، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، (۹۷)، ۵۱۹-۵۳۴.

شوقی، عباس. (۱۳۲۳). تلقین - تأکید - تکرار. آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، ۱۴(۹)، ۴۷۶-۴۷۴.

طیب، سید محمدتقی. (۱۳۸۳). برخی ساختارهای دستوری گونه شعری زبان فارسی. دستور (ویژه نامه فرهنگستان)، ۱(۱)، ۶۵-۷۸.

فرشید ورد، خسرو. (۱۳۵۴). تأکید و قصر در زبان فارسی. گوهر، (۳۱)، ۵۷۹-۵۸۴.

Reference

Books

Dehkhoda, Ali Akbar (1998) *Dehkhoda Dictionary*, Volume 3, Tehran: University of Tehran.

Etemad-ol-Saltaneh, Mohammad Hassan Ibn Ali (1971) *Memoirs of Etemad-ol-Saltaneh, Minister of Printing in the late Nasserite period from 1292 to 1313 AH*, Introduction and indexes of Iraj Afshar, Tehran: Amirkabir.

Farshid Ward, Khosrow (1996) *Sentence and its evolution in Persian*, Tehran, Amirkabir.

Farshid Ward, Khosrow (2005) *Today's Agenda*, Tehran: Sokhan.

Garkani, Mohammad Hussein Shams al-Ulama (1998) *Innovation of innovations*, by Hossein Jafari, with introduction by Jalil Tajlil, Tabriz: Ahrar Tabriz.

Judges, Fatemeh (2002) *Nasreddin Shah's Travels to Qom (1309-1266 AH)*, Tehran: National Archives of Iran "Document Research Institute".

Naser al-Din Shah Qajar (2010) *Report of the hunting of Nasreddin Shah Qajar: 1279-1281 AH*. AH, edited by Fatemeh Ghaziha, Tehran: National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran.

Naser al-Din Shah Qajar (2018) *Manuscripts of Naser al-Din Shah Qajar from traveling and hunting in Firuzkuh (Muharram to Rabi 'al-Awal 1282)*, edited by Fatemeh Ghaziha, Tehran: Written Heritage.

Naser al-Din Shah Qajar, album 96 Royal Biotat [Nasreddin Shah's travelogue to Farangistan in 1306 AH], source number: 7228/295, national bibliographic number: 3315007, National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran.

Nasreddin Shah Qajar (2016) *Nasreddin Shah Memoirs Newspaper: Rabi 'al-Thani 1282 to Rabi' al-Awal 1283 AH*, including Mazandaran travelogue, edited by Majid Abdamin, Tehran: Association of Cultural Works and Honors.

Nasreddin Shah Qajar (2019) *Nasreddin Shah Qajar Memoirs Newspaper from Rabi 'al-Awal 1287 to Shawwal 1288 AH*, along with the travelogue of Karbala and Najaf, by Majid Abdamin, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications in collaboration with Sokhan Publishing.

Nasreddin Shah Qajar (2020) *Nasreddin Shah Qajar Memoirs Newspaper from Shawwal 1288 to Zihjeh 1290 AH*, including the first travelogue of Farang, edited by Majid Abdamin, Tehran: Dr. Mahmoud Afshar Publications in collaboration with Sokhan Publishing.

Nasreddin Shah Qajar, Album 94 Royal Biotat [Memoirs from 1288 AH to 1293 AH and Nasreddin Shah Qajar Travelogue to Farangistan], Source: 7230/295, National Bibliography: 3329672, National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran.

Nasreddin Shah Qajar, Album 97 Royal Biotat [Memoirs from 1279 AH to 1285 AH], Source: 7226/295, National Bibliography: 3308057, National Archives and Library of the Islamic Republic of Iran.

Nasser al-Din Shah Qajar (1992) *Nasser al-Din Shah's Memoirs in the Third Journey to Farangistan (Book 2)*, edited by Mohammad Ismail Rezvani and

Fatemeh Ghaziha, Tehran: Research and Publications Management of the National Archives of Iran.

Shamisa, Sirus (2004) *A New Look at Badie*, Tehran: Mitra.

Vahidian Kamyar, Taghi (1997) *in the realm of Persian language and literature*, Mashhad: Mohaghegh.

Articles

Farshid Ward, Khosrow. (1975). Emphasis and palace in Persian language. *Gohar*, (31), 579-584.

Rafiei, David. (2017). Methods of word emphasis in Persian. *Grammatical and rhetorical research*, 7 (12), 147-164. doi: 10.22091 / jls.2018.1379.1061

Shaqaqi, Vida. (2000). Repetition process in Persian. *Proceedings of the Fourth Conference on Theoretical and Applied Linguistics*, by Seyyed Ali Mir Emadi, Volume 1, Tehran: Allameh Tabatabai University, (97), 519-534.

Shoghi, Abbas (1944). Indoctrination - Emphasis - Repetition. *Education (Education)*, 14 (9), 474-476.

Slogan, Jafar. (1963). Discussion about citizens (1). *Yaghma*, (181), 202-204.

Tayyib, Seyed Mohammad Taqi (2004). Some grammatical structures of Persian poetry. *Order (Academy Special Letter)*, 1 (1), 65-78.



Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 52, Summer2022, pp. 268-300

Date of receipt: 5/12/2020, Date of acceptance: 12/1/2021

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.690633](https://doi.org/10.30495/dk.2022.690633)

۳۰۰

A study of stylistic characteristic of "Focus" in Nasir al-Din Shah Qajar's diaries and to come to know about an aspect of his personality accordingly along with a criticism of the non-specialized corrections of his works

Nasim Mohammadi¹, Dr. Ali Mohammad Moazzeni²

Abstract

In this article, for the first time we have studied "Focus" and its various types as one of the most important and most frequently used stylistic features in Nasir al-Din Shah Qajar's diaries with a linguistic, literary and stylistic approach, along with a descriptive - analytical - statistical method. For this purpose, first we have shown the most important methods of "Focus" in speech in the form of a diagram, divided in two parts: Morphology and Syntax, by using the most important opinions of researchers and our personal efforts as well; Then we have examined the most important methods of "Focus" in these notes. By analyzing the obtained data, we have shown a new aspect of Nasir al-Din Shah's personality; Finally by selecting random examples from the original copy and confronting the corrections made from these works, we have shown that the misreadings, misunderstandings and unexplained eliminations made by the editors in these corrections, have made them unreliable and invalid for literary and linguistic research..

Keywords: Nasir al-Din Shah Qajar, Diary, Stylistics, Focus, Repetition, grammar, Royal Documents [Boyutat-e Saltanati].

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
Nasim2314@yahoo.com

² . Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Corresponding Author) Moazzeni@ut.ac.ir